



The Role of Russians in Rahim Khan Chalabianlou's Initiatives in Azerbaijan Region (1324-1329 AH/1906-1911AD)

Mohsen Momeni¹, Zeinab Ahmadvand², Leili Damirchi³

Abstract

This research tried to investigate the initiatives and activities of Rahim Khan Chalabianlou, one of the Khans and heads of tribes in Azerbaijan, in misleading the goals of the constitutional revolution and constitutionalists in Azerbaijan area. Moreover, the study dealt with the important issue of the role of Russians in fueling the movements. The research hypothesis is that Russians influenced Rahim Khan's initiatives and movements to mislead the constitutional revolution and to interfere in Azerbaijan region. They sometimes overtly showed their cooperation and sometimes they covertly cooperated. Rahim Khan's initiatives like suppressing the revolution of people of Tabriz and making insecure the Azerbaijan region through attacking the telegraph office and cutting the telegraph wires, robbing the postal packages sent from Europe, attacking Ardabil, and conquering the city paved the way for Russia's interference in Iran's affairs, especially the northern Iran that they assumed their influence area competing with the British government. The study used a descriptive-analytical method and focused on documents and library resources. The results showed that among the initiatives of Rahim Khan were leading Chalabianlou Tribe in attacking Tabriz in the constitutional period, killing Azerbaijani constitutionalists, and making insecure the trading routes of the region. Alongside the attacks, the tsar Russian government supported covertly Rahim Khan's initiatives and activities.

Keywords: Constitution, Rahim Khan Chalabianlou, Russia, Azerbaijan, Mohammad Ali Shah Qajar

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran; Corresponding author. m.momeni@urmia.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran
3. MA in History of Islamic Iran, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran



نقش روس‌ها در اقدامات رحیم خان چلبیانلو در منطقه آذربایجان (۱۳۲۹ق - ۱۳۲۴ق)

محسن مؤمنی^۱، زینب احمدوند^۲، لیلی دمیرچی^۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل اقدامات و تحرکات یکی از خوانین و سران ایلات منطقه آذربایجان به نام رحیم خان چلبیانلو در آسیب رساندن به اهداف انقلاب مشروطه و مشروطه‌خواهان در منطقه آذربایجان است. همچنین تأثیری که روس‌ها در دامن زدن به این تحرکات داشته‌اند، از مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر است. فرضیه این پژوهش عبارت است از این‌که روس‌ها به منظور آسیب به انقلاب مشروطه و حضور و دخالت در منطقه آذربایجان، بر اقدامات و تحرکات رحیم خان چلبیانلو تأثیرگذار بوده‌اند و به صورت پنهان و بعضاً آشکارا، این همکاری و همراهی را نمایان ساخته‌اند. درواقع، اقدامات رحیم خان در سرکوبی قیام مردم تبریز و همچنین ناامن‌سازی منطقه آذربایجان، با حمله به تلگرافخانه و قطع سیم‌های تلگراف، غارت بسته‌های پستی ارسالی از اروپا به ایران و همچنین حمله به اردبیل و تصرف آن شهر زمینه لازم را برای دخالت روسیه در امور داخلی، به ویژه منطقه شمال ایران را که در رقابت با دولت انگلیس منطقه نفوذ خود می‌پنداشتند، فراهم نمود. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است. یافته‌ها و نتایج حاکی از آن است که هجوم‌ها و حمله‌های ایل چلبیانلو با ریاست رحیم خان به تبریز در دوران انقلاب مشروطه، قتل عام مشروطه‌خواهان آذربایجان و ناامن‌سازی راه‌های تجاری این منطقه، بخشی از اقدامات رحیم خان در این دوره بود. دولت روسیه تزاری نیز در این زمان جهت تضعیف انقلاب مشروطه ایران، بخصوص قیام مردم و آزادی‌خواهان تبریز و آذربایجان، به حمایت و همراهی ضمنی از اقدامات و تحرکات رحیم خان چلبیانلو پرداخت.

واژگان کلیدی: مشروطه، رحیم خان چلبیانلو، روسیه، آذربایجان، محمدعلی شاه قاجار

۱. دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)؛ m.momeni@urmia.ac.ir
۲. استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ایران
۳. کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه ارومیه.

مقدمه

انقلاب مشروطه یکی از رویدادهای مهم و تأثیرگذار در تاریخ تحولات سیاسی ایران معاصر محسوب می‌شود. اهداف و آرمان‌های این انقلاب منافع برخی مخالفان داخلی مانند سران ایلات، خوانین، جریان‌های مرتجع و استبدادی و همچنین برخی قدرت‌های استعماری خارجی آن دوران مانند روس‌ها را به خطر انداخته بود و همین همگرایی در تهدید منافع مشترک، در نهایت منجر به نزدیکی این گروه‌ها و طیف‌های مخالف مشروطه به یکدیگر شد. در این میان همراهی روس‌ها با سران یکی از ایلات آذربایجان، با نام رحیم خان چلبیانلو قابل طرح و بررسی است. دولت روسیه به پشتیبانی از مستبدان و مخالفان مشروطه‌خواهی و در جریان نهضت مشروطه به بهانه تأمین امنیت وارد آذربایجان شد و تلاش نمود با کمک افرادی همچون رحیم خان نهضت مشروطه را به شکست بکشاند. با توجه به مقدمات مطرح شده، این پژوهش به دنبال تبیین و تحلیل برخی کتب و اسناد، برآمده از این رویداد، سؤال و فرضیه ذیل را به آزمون گذاشته است: روسیه تزاری چه سیاستی در قبال اقدامات رحیم خان چلبیانلو در پیش گرفته بود؟ روس‌ها با بهره بردن از اقدامات رحیم خان در ناامن‌سازی و مشکل‌آفرینی در منطقه آذربایجان، جواز حضور و دخالت در این منطقه را برای خود فراهم نمودند تا در نهایت با ضربه زدن به انقلاب مشروطه، راه را برای کسب منافع استعماری و دخالت در سرنوشت سیاسی کشور ایران هموار نمایند.

پیشینه پژوهش

با جستجوهای انجام شده چهار پژوهش ارزشمند شناسایی شد. کریمیان (۱۳۸۵) در مقاله «اسنادی از مخالفان مشروطه آذربایجان» با استفاده از مدارک و شواهد اسنادی به تحلیل اقدامات رحیم خان در منطقه آذربایجان پرداخته است. به خصوص مطالبی درباره سرنوشت رحیم خان ارائه می‌نماید که از نکات مهم این پژوهش است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش کریمیان در این نکته است که از اسناد نویافته‌ای استفاده می‌شود. سلماسی‌زاده و نژدنجفیان (۱۳۹۲) در مقاله «مجلس اول شورای ملی و رویارویی با حکام و متنفذین محلی» و حسینی و همکاران در مقاله (۱۳۹۷) «چپاول و غارت تبریز در دوران استبداد صغیر مطالعه موردی: اموال کمپانی زیگلر» نویسندگان به اقدامات برخی خوانین محلی در رویارویی با انقلاب مشروطه پرداخته‌اند. در قسمت‌هایی از این مقالات نیز اشاره‌هایی به اقدامات رحیم خان و پسرش کیوک خان در اغتشاشات منطقه آذربایجان و جنگ‌های داخلی در تبریز و آذربایجان علیه مشروطه‌خواهان شده است، اما در هیچ‌کدام از این دو پژوهش، به ارتباط روس‌ها با رحیم خان اشاره نشده است. صدیقی (۱۳۸۸) در کتاب تاریخ اجتماعی و سیاسی ارسباران در دوره معاصر در خلال توجه به تاریخ منطقه ارسباران، اشاره‌هایی به موضوع اقدامات رحیم خان در حوزه جغرافیایی آذربایجان دارد. در این اثر نیز به ارتباط رحیم خان با دولت روسیه به طور مستقل پرداخته نشده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس بررسی اسناد آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و سایر اسناد و همچنین کتب دست اول تاریخی و منابع تحقیقاتی است.

رحیم خان چلبیانلو

رحیم خان چلبیانلو، ملقب به سردار نصرت، رئیس طایفه چلبیانلو از طوایف منطقه آذربایجان بود. پدرش، حاج علی خان، از سران عشایر شمال آذربایجان بود که در زمان جنگ‌های ایران با روسیه به همراه ایلش از آن سوی ارس به خاک ارسباران^۱ کوچ داده شدند و در ارسباران ساکن شدند. (کریمیان، ۱۳۸۵: ۱۰۳) رحیم خان قدرتمندترین سرکرده ایل چلبیانلو بود که از نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه به بعد تدریجاً در عرصه ریاست و سرکردگی چلبیانلوه‌ها مطرح شد و توانست ایل تحت امر خود را به قدرت برتر ایلی، در منطقه و ایالت آذربایجان مبدل سازد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۶۹) یکی از نخستین اطلاعات از زندگی رحیم خان مربوط به خدمات او و ایل چلبیانلو به حکومت مرکزی و کمک در سرکوب قیام شیخ عبیدالله شمرزینی^۲ از خوانین شورشی (۱۲۹۷ق) در منطقه آذربایجان است. (کریمیان، ۱۳۸۵: ۱۰۲) همچنین در ۱۳۰۰ق او رئیس دسته‌ای از سواران آذربایجان بود که بر اساس اسناد این دوران، خدماتی را برای حکومت مرکزی در منطقه قراچه داغ انجام داد و از حکومت مرکزی موجب دریافت نمود. (محبوبی اردکان، ۱۳۶۸: ۳۶۹؛ بامداد، ۱۳۷۱: ۵۰۶؛ ساکما، ۲۹۵/۷۴۰۰)

در دوره سلطنت مظفرالدین شاه، رحیم خان با لقب نصرت السلطان و درجه میرپنجی به همراه ایل چلبیانلو در منطقه قره داغ^۳ زندگی می‌کردند و گویا رحیم خان تا خاتمه حضورش در ایران در آن حدود مشغول راهزنی و چپاول بود. پس از صدور فرمان مشروطیت در ۱۳۲۴ق و آغاز انتخابات دوره اول مجلس شورای ملی، رحیم خان در تبریز به محمدعلی میرزا ولیعهد که مخالف مشروطیت بود، نزدیک شد و در شمار ندیمانش درآمد. (کسروی، ۱۳۷۳: ۳۱۹) در دوره مظفرالدین شاه، راهزنی و چپاول‌های رحیم خان در منطقه قره داغ از سوی محمدعلی میرزای ولیعهد نادیده گرفته می‌شد. (ساکما، ۲۹۶/۶۷۲۸) بعد از درگذشت مظفرالدین شاه و هنگام حرکت اردوی محمدعلی میرزا ولیعهد از تبریز به تهران (۱۷شوال ۱۳۲۴ق) جهت جلوس به تخت شاهی، رحیم خان به سرکردگی سواران چلبیانلوه‌ها در مقام نگهبان و حافظ شاهزاده و اردوی او، عازم تهران شد. (انجمن، ۱۳۲۵: ۳-۴/۵۶) همراهی رحیم خان با اردوی محمدعلی شاه به تهران با اشاره روس‌ها و سفارت مزبور بود. (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۳۰۴) رحیم خان در مدت حضور در تهران، در دربار محمدعلی شاه مقام ریاست کشیک‌خانه را عهده‌دار

۱. منطقه‌ای در شمال ایالت آذربایجان قدیم که شامل بخش‌هایی از شهرستان‌های اهر، کلیبر، ورزقان خداآفرین، هوراند و بخش‌هایی از شهرستان‌های جلفا (بخش سیه‌رود) و مرند را شامل می‌شد.
۲. یکی از جنبش‌هایی که در دوره ناصرالدین شاه رخ داد و هراس بزرگی برای دولت قاجار در منطقه آذربایجان ایجاد کرد، جنبش شیخ عبدالله شمرزینی یا نه‌ری در ۱۲۹۷ق بود. این جنبش در حقیقت قیام طبقات پایین جامعه علیه وضع موجود و نشان دادن ناکارآمدی دولت قاجار و تلاشی برای اصلاح وضع موجود بود. (قدیمی قیداری و عبدالهی، ۱۳۹۸: ۲۳۹)
۳. در زبان محلی به منطقه ارسباران گفته می‌شود.

شد و نزد محمدعلی شاه جایگاه والایی یافت و لقب سردار نصرتی را از شاه دریافت کرد. (هدایت، ۱۳۷۵: ۱۶۵) محمدعلی شاه به رحیم خان به عنوان فردی می‌نگریست که می‌تواند از او در سرکوب مشروطه‌خواهان منطقه آذربایجان استفاده کند و به نظر می‌رسد همراه‌سازی رحیم خان و دادن مناصب دولتی به او نیز در راستای این سیاست بود که درواقع خواست اصلی روس‌ها نیز بود.

اقدامات رحیم خان علیه مشروطه‌خواهان تبریز

حضور رحیم خان در تهران و به عنوان ریاست کشیک‌خانه چندان طولانی نشد، چراکه اقدامات پسرش بیوک خان در قتل و غارت روستاهای قراجه داغ باعث دردسر او شد. نمایندگان تبریز در مجلس و انجمن آذربایجان، محمدعلی شاه را تحت فشار قرار دادند که منشاء اصلی فتنه و اغتشاش در قراجه داغ خود رحیم خان است و به تحریک خود او عملیات غارتگری انجام گرفته است. به همین دلیل، رحیم خان دستگیر و زندانی شد. (کریمیان، ۱۳۸۵: ۱۰۸) پس از چندی رحیم خان با میانجیگری برخی بزرگان کشوری و خوانین دربار مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد، اما حق خروج از تهران را نداشت. با این حال، در اوایل ۱۳۲۶ق، رحیم خان با شتاب خود را به ارسباران رسانید و به ایل خویش پیوست. برخی منابع علت این خروج ناگهانی او را مأموریتی از طرف محمدعلی شاه دانسته‌اند، مبنی بر اینکه شاه به او دستورهایی داده و روانه آذربایجان ساخته بود. رحیم خان در بین راه همه جا سیم‌های تلگراف را قطع می‌کرد که درواقع، این بخشی از مأموریت او جهت قطع ارتباط تهران با تبریز بود. (کسروی، ۱۳۷۳: ۵۵۴) ورود رحیم خان به تبریز مصادف با آغاز اغتشاشات بیله سوار بود. انجمن تبریز و مخبرالسلطنه به عنوان والی آذربایجان به دنبال فردی قدرتمند برای مقابله با این واقعه بودند. رحیم خان از فرصت پیش آمده استفاده نمود و مأمور حل و فصل اغتشاشات بیله سوار شد. (هدایت، ۱۳۷۵: ۱۷۰؛ بایوردی، ۱۳۴۱: ۱۲۷) درواقع، رحیم خان از سوی دولت مشروطه، در ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ق نزدیک به یک ماه قبل از به توپ بستن مجلس، مأمور ایجاد امنیت در حدود بیله سوار و مشکین و قره داغ شد. (انجمن، ۱۳۲۶: ۲/۲۶-۱)

همزمان با سرکوبی مشروطه‌خواهان و به توپ بسته شدن مجلس اول توسط محمدعلی شاه، رحیم خان حاکم اهر بود. او به دستور محمدعلی شاه، هفتصد سوار به فرماندهی پسرش بیوک خان نصرالممالک به تبریز برای از بین بردن و پاکسازی مشروطه‌خواهان فرستاد و بعدها نیز خود با قشونی به تبریز آمد. (امیرخیزی، ۲۵۳۶: ۱۰۸-۱۰۰) رحیم خان با پانصد سوار قره داغی، بعد از ورود به تبریز شروع به تجاوز و چپاول مردم این شهر نمود، حتی به گرمابه‌ای که نوبت استفاده‌اش برای زنان بود، حمله کرد و فضایی از رعب و وحشت در تبریز ایجاد نمود. (آفاری، ۱۳۷۸: ۲۸۰) درواقع، رحیم خان اولین فردی بوده که از طرف محمدعلی شاه مأمور سرکوب مشروطه‌خواهان تبریز شد که البته این اقدام او با مقاومت سرسختانه مشروطه‌خواهان و مجاهدین تبریز به رهبری ستارخان و آغاز جنگ‌های محاصره یازده ماهه تبریز از ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ق تا ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق روبرو شد. (ویجویه‌ایی، ۱۳۸۶: ۲۳) با ورود رحیم خان به باغ صاحب دیوان، اعضای انجمن اسلامی و سرکنسول روسیه طی تبلیغاتی مردم تبریز را که از هیبت رحیم خان هراسان شده بودند، به تسلیم و واگذاری شهر فراخواندند، به طوری که

تحت تأثیر این تبلیغات، برخی از مجاهدین مشروطه مقاومت را رها کرده و سلاح‌هایشان را به رحیم خان واگذار کردند. (طاهرزاده، ۱۳۶۳: ۲۰۸؛ کسروی، ۱۳۷۳: ۶۸۶)

از این زمان، ارتباط تنگاتنگی بین سرکنسول روسیه در تبریز و رحیم خان جهت تسلط بر اوضاع به نفع او شروع شد. خط‌مشی روسیه در قبال ایران و انقلاب مشروطه ایرانیان آشکار بود. از یکسو ایجاد هرج و مرج در نقاط مرزی و از سوی دیگر، ارائه کمک نظامی به دولت استبداد برای سرکوبی انقلابیون. روس‌ها چنین سیاستی را برای به دست آوردن بهانه لازم برای حضور و دخالت در شمال ایران دنبال می‌کردند. این سیاست روس‌ها، به‌وضوح توسط یوری موگیلف در کتابش در مورد اهمیت سرزمین‌های شمالی ایران برای دولت روسیه، بیان شده است. او با ابراز تأسف اذعان می‌کند این سرزمین‌ها متعلق به روسیه هستند. (نورائی و آندریوا، ۱۳۸۸: ۲۵) محمدعلی‌شاه نیز چه در زمان حکمرانی در آذربایجان به‌عنوان ولیعهد ایران و چه در زمان سلطنت، در راستای اجرای سیاست‌های روس عمل نمود. او با تحریک شاهسون‌ها عمداً بهانه لازم را برای دخالت نظامی روسیه در منطقه آذربایجان فراهم می‌آورد تا از این طریق بتواند مشروطه‌خواهان را سرکوب کند. روس‌ها نیز با بهانه اعاده آرامش در آذربایجان و به‌ویژه قره‌داغ، عملاً به دخالت نظامی در ایران می‌پرداختند. (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۶۴۸) بر اساس اسناد این دوره، به دلیل غارت‌ها و چپاول ایلات شاهسون، مردم و روستاییان آذربایجان به خاک روسیه پناهنده شدند. (ساکما، ۲۹۶/۶۷۲۵)

درنهایت به‌واسطه درگیری رحیم خان با مجاهدین مشروطه‌خواه تبریز و با کشته شدن بخشی از نیروها و سواران قره‌داغی رحیم خان، او شکست خورد و عملاً نتوانست به اهداف محمدعلی‌شاه و روس‌ها در سرکوبی مشروطه‌خواهان تبریز اقدام نماید. رحیم خان به‌تلافی این شکست و کشته شدن سربازانش، اموال مردم تبریز را غارت و چپاول کرد. (ساکما، ۲۹۶/۴۰۸۱) بعد از روی کار آمدن عین‌الدوله، رحیم خان از طرف او مأمور بستن راه جلفا - تبریز شد؛ مسیری که برای مشروطه‌خواهان و مردم تبریز اهمیت حیاتی داشت. او اموال تجار و کاروانیان و وسایل نقلیه را به یغما برد. (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۱۱۱۱-۱۱۱۰) و حتی در این دوران با انجام عملیات‌های نظامی و پیشروی تا پل آجی‌چای، مشروطه‌خواهان تبریز را مورد حمله قرار داد و غالب محموله‌های پستی تبریز را که از خط روسیه - سلماس - خوی ارسال می‌شد، در مرند و صوفیان، توقیف کرد. (مساوات، ۱۳۲۷: ۵/۲۹، ۸/۳۰)

باز بودن راه جلفا برای مشروطه‌خواهان تبریز اهمیت حیاتی داشت، اما رحیم خان آن راه را نیز مسدود کرد و دهات اطراف را تصرف نمود. با این اقدامات رحیم خان، آثار قحطی در تبریز ظاهر شد. (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۱۱۱۲) در حین قطع راه تجاری تبریز - جلفا، حتی تعدادی از محموله‌های پستی روسیه توسط نیروهای رحیم خان غارت شد که این اقدام سخت مورد اعتراض روس‌ها قرار گرفت (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۹۹)، اما با توجه به وقایع بعدی به نظر می‌رسد، این یک اقدام ساختگی و خودخواسته از جانب روس‌ها، برای یافتن فرصتی برای حضور و دخالت در آذربایجان و تبریز بود و با اشاره روس‌ها توسط رحیم خان صورت گرفت. درواقع، رحیم خان راه را برای روس‌ها هموار کرد. (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۴۹۹/۲-۴۹۸) موضوع ارتباط بین اقدامات رحیم خان و سیاست‌های روسیه در ایران به دلیل ارتباط کنسول روس‌ها در تبریز با رحیم خان بیشتر تقویت می‌شود. کنسولگری روسیه

و رحیم خان ارتباط مناسبی از شروع نهضت تبریز داشتند. بر این اساس، روس‌ها نمی‌توانست از اقدامات رحیم خان بی‌اطلاع باشند. بنابراین، حمله به محموله‌های پستی روس‌ها با هماهنگی کنسول روسیه در تبریز و حتی عین‌الدوله حاکم آذربایجان و در جهت دخالت روس‌ها و سرکوبی مجاهدان تبریز صورت گرفت. (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۱۱۱۱-۱۱۱۰)

نیروهای روسیه در آذربایجان

نیروهای روسیه در ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ ق به بهانه برقراری امنیت در مسیرهای تجاری تبریز وارد آذربایجان شدند و از طریق راه تبریز- جلفا در کنار پل آجی‌چای اردو زدند. روس‌ها که نیازمند رضایت ضمنی انگلستان بودند، خواست خود را در زمینه پیاده کردن نیرو، به اطلاع انگلیسی‌ها رسانده و علت این اقدام را نبود امنیت جانی برای اتباعشان در تبریز و تأمین آذوقه و باز کردن راه تجاری تبریز- جلفا و بعضاً حفظ جان ساکنین تبریز اعلام نمودند. (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۴۹۹/۲-۴۹۸) رحیم خان در این زمان با مشاهده ورود نیروهای روسی، اقامتگاهش در الوار را ترک و با اسرایی که در حدود مرند از مجاهدین تبریز به اسارت گرفته بود به سمت اهر حرکت نمود. در اوایل ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ ق، نیروهای روس به تبریز وارد و جنگ‌های داخلی متوقف شد. ستارخان و باقرخان به کنسولگری عثمانی و سرکردگان دولتی هرکدام به ولایت خود بازگشتند و مخبرالسلطنه مجدداً به‌عنوان والی ایالت آذربایجان تعیین شد. بلوری و سایر سردسته‌های مشروطه‌طلبان که در مرند به‌وسیله رحیم خان دستگیر و در اهر زندانی بودند، با ورود قشون روس به اهر آزاد و به تبریز رفتند. دولت روسیه برای آنکه هرگونه اتهامی درباره ارتباط با رحیم خان و اقدامات او را رد کند، به یک مانور تبلیغاتی پرداخت. چند ماه بعد از ورود نیروهای روسیه به تبریز، یک هنگ مختلط روس به‌اتفاق کنسول تبریز وارد اهر شدند. بهانه آن‌ها، تعقیب رحیم خان و حمایت از اهالی قره‌داغ و حفاظت از دهات آنجا بود. روس‌ها در سوم شعبان ۱۳۲۷ ق در اهر و در محوطه بقعه شیخ شهاب‌الدین اردوز زند تا اموال مسروقه را از رحیم خان بازپس بگیرند. در نتیجه اقدامات روس‌ها، رحیم خان دستگیر و از او مطالبه غرامت شد. در نهایت، حاجی حسن آقای اهری ده هزار تومان وثیقه به جای رحیم خان تقبل کرد و رحیم خان آزاد شد. (شمس، ۱۳۲۷: ۱۱/۷؛ حبل‌المتین، ۱۳۲۷: ۲۱/۲۲) روس‌ها بعد از یک هفته اقامت در اهر و دریافت غرامت از رحیم خان، به تبریز بازگشتند. (کسروی، ۱۳۷۸: ۸۵؛ فتحی، ۱۳۲۲: ۲۵۳۲) طرح دوم روس‌ها برای شکست مشروطه خواهان آذربایجان، بعد از بازگشت روس‌ها از اهر شروع شد. این طرح با کمک رحیم خان و طبق توافقی که بین آن‌ها به وجود آمده بود، اجرا شد. بر اساس این طرح و نقشه، در ظاهر رحیم خان سخته کرد و پزشکی روسی برای مداوای او عازم اهر می‌شود. (شمس، ۱۳۲۷: ۱۶-۲-۱؛ حبل‌المتین، ۱۳۲۷: ۱/۲۵) ظاهراً این پزشک مأمور سیاسی و رحیم خان نیز سخته نکرده بود. سایر وقایع بیانگر این مسئله است، چراکه تحولات بعدی در شکل‌گیری اتحادیه ایلات قره‌داغ و شاهسون به ریاست رحیم خان و ایجاد ناامنی در اردبیل که باعث پیاده کردن نیرو در اردبیل توسط روس‌ها شد، مؤید این دعاوی است. (کسروی، ۱۳۷۸: ۹۱؛ صدقی، ۱۳۸۸: ۱۲۳)

نقشه روس‌ها با رحیم‌خان در اتحاد ایلات قره‌داغ و شاهسون

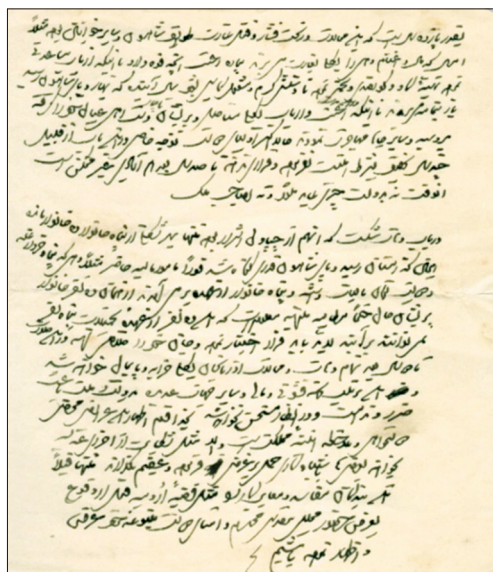
در مرحله بعدی، طرح مصوب روس‌ها به عنوان جواز ورود به ایران چنین بود: رحیم‌خان در رأس اتحاد عشایر شاهسون و ایلات قراجه‌داغ، اردبیل را مورد هجوم و تاراج قرار دهند و چون برای دولت مرکزی ایران امکان فرستادن نیرو و دفع آن‌ها نبود، روس‌ها به بهانه لزوم حفظ جان و مال اتباعشان، قشونی که در مرز متمرکز بود را به این شهر بیاورند و سپس نقاط دیگر آذربایجان را در اشغال نظامی خود نگه دارند. شاهسون‌های اردبیل بعد از شکست‌های ایران از روس در دوره فتح‌علی‌شاه، از روس‌ها کینه داشتند و گاه و بیگاه از مرز گذشته و روستاهای نزدیک در خاک روسیه را غارت می‌کردند و گاهی نیز مرزبانان را به قتل می‌رساندند. با این سابقه، کنار آمدن روس‌ها با سران شاهسون اردبیل مشکل بود، اما رحیم‌خان توانست این مشکل را حل کند، چراکه او بر عشایر آن حدود ریاست داشت. به این دلیل، روس‌ها به او نزدیک شدند و با وعده و وعیدهای فراوان، حس جاه‌طلبی او را برانگیختند. در این زمان، روس‌ها مقادیر زیادی سلاح و پول به رحیم‌خان دادند. (ساکما، ۲۴۰/۷۰۱۹۰) بنابراین، رحیم‌خان مأمور حمله به اردبیل شد و با سران شاهسون متحد گردید و با دادن تفنگ، مهمات و پول که بیش از هر چیزی مطلوب این ایلات بود، آنان را در جهت اجرای نقشه‌های روس‌ها، با خود همراه نمود. (صفری، ۱۳۷۰: ۲۳۲)

رحیم‌خان که با سقوط سلطنت محمدعلی‌شاه و پیروزی مشروطه‌خواهان، به توصیه روس‌ها، به نجات محمدعلی‌شاه می‌اندیشید در شوال ۱۳۲۷ ق اقداماتی در قره‌داغ و تلاش‌هایی برای تشکیل اتحادیه ایلات قره‌داغ و شاهسون علیه دولت مشروطه آغاز نمود. او حتی با فرستادن تلگرافی از طریق سفارت روسیه به محمدعلی‌شاه، او را «اعلی‌حضرت محمدعلی‌شاه ارواحنا فدا» خطاب و از هتک حرمت برای علمای تبریز و تهران و اردبیل توسط مشروطه‌خواهان به سختی انتقاد نمود. رحیم‌خان اقدام خود در حرکت به اردبیل و مقابله با مشروطه‌خواهان آنجا را نشانه وفاداری به محمدعلی‌شاه و گامی در بازگرداندن او به سلطنت قلمداد می‌کرد. (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۷۸۰/۴) او نامه‌هایی از طریق پسرش بیوک‌خان به همراهی پانصد سوار به روسای شاهسون‌های مغان و اردبیل فرستاد و در بخشی از نامه‌ها اظهار داشت: «شاهسون چرا این قدر بی غیرت شده‌اند که چهار نفر فعله (مجاهدین مشروطه‌خواه قفقازی) از قفقاز آمده و اهل و عیال اردبیلی را مالک باشد. بیایید غیرت نمایید تا عموماً متحد شده و ریشه این اشرار را قلع نموده و به تهران برویم». (افشار، ۱۳۶۲: ۲۷۴-۲۷۳)

هدف رحیم‌خان، از تحریک و به خدمت گرفتن شاهسون‌ها علیه مجاهدین، در اصل استفاده از قدرت نظامی آنان علیه دولت مشروطه و شاید حرکت به سمت تهران جهت بازگرداندن محمدعلی‌شاه به تخت سلطنت بود. (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۲۴) در بخشی از پیمان نامه منعقد بین روسای ایلات مذکور، تأکید شده بود که روسای ایلات شاهسون و قره‌داغ در ولایت اردبیل جمع شده و حضرت اجل آقای سردار نصرت (رحیم‌خان) را برای خود سردار کل دانسته و بر لزوم تبعیت از او تأکید کنند. آنان همچنین هدف اتحادیه را به «اقتضای تکلیف مذهبی و وظیفه شاه‌پرستی اعاده امنیت و سلطنت ایران و دفع شر مفسدین و قلع و قمع معاندین دین» اعلام کرده بودند. (هدایت، ۱۳۷۵: ۲۸۷، ۲۱۸) در این میان، اقدامات رحیم‌خان از حمایت همه‌جانبه محمدعلی‌شاه برخوردار بود و مناسبات حسنه محمدعلی‌شاه با روس‌ها، این همگرایی سه‌جانبه را تقویت می‌نمود.

اقدامات رحیم خان در تصرف اردبیل

رحیم خان با کسب ریاست ایلات شاهسون و قره داغ، به قدرت زیادی دست یافت. او ستاد فرماندهی را جهت تشکیل یک نیروی نظامی متحد، در قریه کلخوران، واقع در پنج کیلومتری شمال اردبیل، قرار داد و شهر اردبیل را محاصره نمود. درواقع، رحیم خان به دنبال جبران شکست‌های گذشته‌اش در برابر مشروطه‌خواهان تبریز بود. ستارخان در این زمان از طرف والی آذربایجان به عنوان حاکم اردبیل منصوب شد. (صفایی، ۱۳۴۴: ۴۰۴) رحیم خان با انسجام نیروهایش در بیرون شهر اردبیل، از طریق محله ابراهیم‌آباد که برخی از مردم شهر نیز با او همکاری می‌کردند، وارد اردبیل شد و در نارین قلعه که روزگاری به دستور محمدعلی‌شاه در آنجا محبوس بود، در مقام ریاست و حاکم خودخوانده اردبیل مقیم شد و از فردی را بنام غفارخان به حکومت اردبیل منصوب نمود. هنگام محاصره و تصرف اردبیل به جهت برخی مقاومت‌های محلی و درگیری‌هایی که با قوای رحیم خان صورت گرفت، در حدود چهل نفر از مجاهدین و دویست و چهار نفر از اهالی شهر و عشایر محل کشته شدند. سال تصرف و غارت شهر اردبیل توسط قوای رحیم خان و شاهسون‌ها به علت گستردگی و شدت واقعه در نزد مردم اردبیل به یک مبدأ تاریخی محلی تبدیل و به «چاپقون ایلی» مشهور شد. (صفری، ۱۳۷۰: ۱۶۲/۱؛ صدقی، ۱۳۸۸: ۱۲۵) (تصویر ۱) ستارخان حاکم اردبیل، به دلیل عدم نیروی کافی، نتوانست اقدامی در مقابل رحیم خان انجام دهد و از والی آذربایجان مخبرالسلطنه درخواست کمک نمود. مخبرالسلطنه که گمان می‌کرد رحیم خان در اهر بیمار است و از اقدامات او بی‌خبر و به‌نوعی غافلگیر شده بود، عملاً نتوانست اقدام مؤثری برای کمک به ستارخان انجام دهد و ستارخان به ناچار از اردبیل عقب‌نشینی کرد. (هدایت، ۱۳۷۵: ۹۴) اعزام نیروهای کمکی از تبریز و تهران زمانی انجام شد که شهر اردبیل به دست شاهسون‌ها تصرف شده بود. (کسروی، ۱۳۷۸: ۹۲)



تصویر ۱: قتل و غارت طوایف شاهسون در اردبیل (دمیرچی، ۱۳۹۵: ۱۱۴)

۱. به معنای سالی که غارت و چپاول اتفاق افتاد.

به هنگام حمله رحیم خان و شاهسون‌ها به اردبیل، دولت روسیه از طریق روزنامه‌ها آغاز به زمینه‌سازی نمود تا عملیات نظامی‌اش را داخل خاک ایران توجیه نماید. روزنامه‌های روس اخباری گزافه‌آمیز درباره این وقایع و ناامنی مرزهایشان می‌نوشتند. درنهایت، دولت روس اطلاعیه رسمی با این مضمون منتشر نمود: «ایل‌های سرکش شاهسون که در نزدیکی‌های سرحد قفقاز نشیمن دارند از پیش‌آمده‌ای کشور ایران فرصت یافته در این تازگی‌ها چندین بار بتاخت و تاز پرداخته‌اند و از آمد و شد کاروانیان در راه آستارا و اردبیل و تبریز جلوگیری می‌نمایند و بتازگی خبر رسیده که این ایل‌ها همدست رحیم خان به هواخواهی محمدعلی شاه و به آهنگ بهم زدن مشروطه بکار برخاسته‌اند فرمانفرمای آذربایجان، ستارخان را با یکدسته از مجاهدان به اردبیل فرستاد که آرامش را در آنجا برپا گرداند و ستارخان چون به اردبیل رسید پیش از همه خواست از مجاهدان قفقاز ابزار جنگ گرفته از شهر بیرون کند ولی در این کار فیروزی نیافت و در همان هنگام شاهسون و قره‌داغیان به اردبیل نزدیک می‌شدند و آبادی‌های سر راه را تاراج می‌نمودند بسیاری از مجاهدان از ستارخان کناره جسته به تبریز بازگشتند و در دوازدهم اکتبر (ماه روسی) رحیم خان و شاهسون‌ها به درون شهر درآمد به دسته کمی که به نگهداری آنجا می‌پرداختند جنگ آغاز نمودند ستارخان و حکمران، شهر را گزارده، به دژ پناهنده شدند و سپس آگاهی رسید که ستارخان به سراب گریخته است و چون این پیش آمدها به تندی رخ داده دولت ایران در سایه بی‌پولی و نداشتن لشکر آراسته درست نمی‌تواند بزودی سپاهی به اردبیل برساند و در چنین زمانی قنصل روس در اردبیل تنها صد تن قزاق و دو دستگاه توپ کوچک برای نگهداری خود دارد و برای آنکه این نیروی اندک بتواند بستگان روس را پاسبانی نماید قنصل دستور داد همه بستگان روس در قنصلگری گرد آیند. در این هنگام شاهسونان و قره‌داغیان دژ را بسختی بمباران می‌کنند و چون قنصلخانه در پهلوی دژ نهاده، آنجا نیز زیر آتش است از این رهگذر که جان قنصل و بستگان روس در بیم است، دولت روسیه باشتاب دسته‌هایی از سپاه قفقاز به آنجا می‌فرستد زیرا که آوردن سپاه از تبریز و یا از قزوین به اردبیل بزودی نخواهد بود». (کسروی، ۱۳۷۸: ۹۹)

روس‌ها این اطلاعیه را هنگامی منتشر نمودند که دسته‌هایی از سالدات و قزاق روانه اردبیل ساخته بودند پس از آنکه ناتوانی ستارخان در برابر شاهسون و قره‌داغی آشکار گردید و عده زیادی از مردم اردبیل که از کمک دولت ایران ناامیده شده بودند به کنسولگری روس پناه بردند. فردای شبی که ستارخان و یارانش از اردبیل گریختند، سواران قره‌داغ و شاهسون با اطلاع از این خبر و بی‌دفاع شدن شهر، با یورش به اردبیل بی‌آنکه پروایی کنند و یا مانعی جلو خود ببینند، دست به تاراج و غارت مردم شهر زدند و بازارها و تیمچه‌ها و کاروانسراها که پر از کالای بازرگانی بود را به یغما بردند. (ساکما، ۲۹۶/۲۶۷۶۶) در این غارت، جز از بستگان روس که رحیم خان از آنان هواداری می‌نمود و خانه‌ها و حجره‌هایشان را نگهداری می‌کرد، همه شهر به تاراج رفت. مردم تماشا می‌کردند و یغماگران کالا و دارایی‌شان را می‌بردند، برخی از ساکنان شهر که این وقایع را دیده بودند، چنین بازگو نموده‌اند: «زنان شاهسون هرکدام با چند شتری به شهر شتافته بودند و پی هم بار کرده راه می‌افتادند». (کسروی، ۱۳۷۸: ۹۹) رحیم خان که وظیفه‌اش، در ایجاد بهانه لازم برای ورود و دخالت روس‌ها به ایران را به انجام رسانده بود، به اهر بازگشت و ایل شاهسوها نیز به مکان ایل خود رفتند. سپس دشمنان مشروطه در شهرها بشادمانی برخاستند

و امید به رحیم خان و کوشش های او بستند. (آفاری، ۱۳۷۸: ۳۷۲) بعد از خاتمه مأموریت رحیم خان در تصرف اردبیل، روس ها به پیاده کردن نیرو در حدود دویست نفر قزاق و دو عراده توپ و یک دسته مهندس در اردبیل اقدام نمودند. (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۷۵۱/۳)

ادعای روس ها مبنی بر به خطر افتادن اعضای کنسولگری روس در اردبیل خلاف واقعیات موجود بود، چراکه در مدت حضور رحیم خان در اردبیل او با کنسول روس، غالباً در نارین قلعه در ارتباط بودند. (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۷۵۱/۳) رحیم خان بعد از تصرف اردبیل در خیال حرکت به سوی تهران و بازگرداندن محمدعلی شاه مخلوع به سلطنت بود و برای برخی از روسای شاهسون اظهار می داشت «که محمدعلی شاه در آستارا است و باید با عزیمت به آنجا وی را حمایت کرده و روانه تهران شوند» (افشار، ۱۳۶۲: ۲۷۵)، اما این وعده و وعیدها در بازگرداندن شاه مخلوع توسط رحیم خان هیچگاه تحقق نیافت، چراکه رحیم خان از یک سو فاقد قدرت و توان نظامی لازم برای این اقدام بود و از دیگر سو محمدعلی شاه مخلوع هم در این موقع در روسیه به سر می برد. در تمام این دوره روس ها به طور ضمنی از اقدامات رحیم خان در اشغال اردبیل و ادعای او در حرکت به سمت تهران حمایت می کردند. (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۷۵۷/۳)

روس ها بعد از اشغال اردبیل به بهانه تأمین امنیت، دیگر نیازی به حضور رحیم خان در اردبیل نمی دیدند. به همین خاطر، همان گونه که بیان شد، رحیم خان درحالی که از حرکت به سمت تهران ناامید شده بود و حمایت و اتحاد شاهسون ها را نیز از دست داده بود، به ناچار حاکمی را در اردبیل گماشته و در سوم ذی قعدة ۱۳۲۷ ق اردبیل را ترک کرد و به قره داغ بازگشت. (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۷۸۲/۳) روسیه هم بلافاصله نیروهایش را در اردبیل افزایش داد و به حدود سه هزار و دویست نفر رسانید، با این اقدام روس ها غالب نواحی شمالی ایران، خصوصاً آذربایجان را به کنترل مستقیم خود درآوردند همچنین دیگر مناطق از جاده قزوین و حواشی خزر و استرآباد مشهد هم طی اقداماتی مشابه اشغال نمودند. (مجلس، ۱۳۲۸: ۴/۲۰)

رویارویی های رحیم خان با والی آذربایجان

مخبرالسلطنه، والی آذربایجان، برای خنثی سازی اهداف رحیم خان، طی اقدامی رشیدالملک را که به علت سابقه حکومت در اردبیل و قره داغ و همچنین نفوذ در میان شاهسون ها، مأمور گفتگو با شاهسون ها کرد تا آنان را از ادامه همکاری با رحیم خان بازداشت و در صورت موفقیت حکومت اردبیل را به دست گیرد. (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۷۴۸/۳) با این وجود، اقدامات رحیم خان در این دوره هزینه سنگینی از لحاظ مالی به دولت مشروطه تحمیل نمود و حکومت تبریز که توان مالی لازم را برای تأمین نیروی نظامی جهت مقابله با اقدامات او در اختیار نداشت، به سختی توانست نیرویی نزدیک به دو هزار نفر فراهم ساخته و به سرکردگی باقرخان سالار ملی و حاج صمدخان مراغه ای روانه قره داغ کند. (نسیم شمال، ۱۳۲۷: ۲/۶؛ کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۷۴۹/۳-۷۴۸) نیروهای حکومت مرکزی تا نیمه های آذرماه در زنجان حضور داشتند و چون کار آنجا را بسامان کردند، روانه آذربایجان شدند. صمدخان حاکم مراغه تا منطقه براغوش پیش رفت و در آنجا با حبیب الله خان پسر رحیم خان درگیر

شد. در نهایت جنگ میان حبیب الله خان پسر رحیم خان با صمد خان منجر به شکست حبیب الله خان و فرار او به سوی شهر اهر شد. او مرکز سپاه دولتی اهر را که حکمران نشین قره داغ بود، گرفته و پایگاه خود نمود. (کسروی، ۱۳۷۸: ۱۰۷؛ حبل المتین، ۱۳۲۸: ۶/۳۰) رحیم خان نیز با چهار هزار سواره و دو هزار پیاده و چندین دستگاه توپ به طرف اهر آمد و آبادی های پیرامون را گرفت از هر سو با شهر بجنگ برخاست. (کسروی، ۱۳۷۸: ۱۰۷) با اهمال صمد خان در مقابل رحیم خان، اردوی تبریز در برابر رحیم خان کاری نتوانست از پیش ببرد و سران آن با اقامت در سراب، منتظر ورود اردوی تهران شدند. البته در این موقع ایلات شاهسون دیگر در خدمت رحیم خان نبودند، چراکه آنان به واسطه بازگشت رحیم خان به قره داغ و اقدامات رشیدالملک، فرستاده مخبرالسلطنه، جهت منصرف سازی شاهسون ها، از مساعدت رحیم خان خودداری کردند و به این ترتیب قرارنامه ۱۷ شوال بین رحیم خان و رؤسای شاهسون، عملاً اعتبار خود را از دست داد و اتحاد آن ها از میان رفت. (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۲۸)

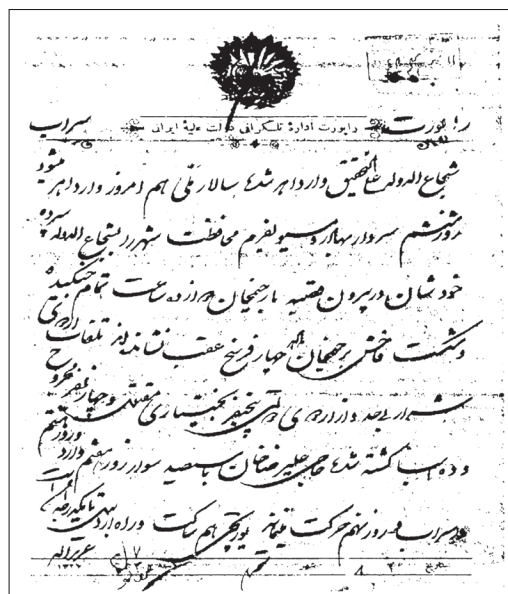
تلاش های دولت مشروطه برای مقابله با رحیم خان چلیانلو

اقدامات رحیم خان در اشغال و تصرف اردبیل و دیگر اغتشاشات آذربایجان و پیامدهای آن، در مذاکرات شوال ۱۳۲۷ ق مجلس شورای ملی در تهران مطرح شد و نمایندگان مجلس از دولت مشروطه خواستار اقدام جدی در برابر تحرکات رحیم خان شدند. دولت مشروطه فاقد بودجه کافی برای فرستادن نیرو جهت مقابله با رحیم خان بود و به سختی توانست مبلغی در حدود ۲۵ هزار لیره عثمانی جهت مخارج اردو تأمین کند. (همان: ۱۲۸) بعد از تأمین مخارج تشکیل و اعزام نیروی نظامی از تهران علیه رحیم خان، جعفرقلی خان سردار بهادر بختیاری و پیرم خان رئیس نظمیه تهران از سوی دولت و مجلس، به فرماندهی مشترک اردوی اعزامی منصوب شدند. جعفرقلی خان سردار بهادر پسر ارشد حاج علی قلی خان سردار اسعد بختیاری فاتح تهران بود. (بامداد، ۱۳۷۱: ۴۴۸/۲) نیروهای دولتی یک ماه بعد از مذاکرات دولت و مجلس در مورد اعزام نیرو علیه رحیم خان، سوم ذی حجه ۱۳۲۷ ق وارد سراب شده و در آنجا در برابر نیروهای رحیم خان اردو زدند. (ساکما، ۱۴۸۵/۲۹۳) جنگ های رحیم خان با قوای حکومت مرکزی از ذی حجه ۱۳۲۷ ق تا محرم ۱۳۲۸ ق به طول انجامید. رحیم خان در ۸ ذی حجه ۱۳۲۷ ق نامه ای به شجاع الدوله که بعد از پیروزی مشروطه خواهان به آنان پیوسته بود، می نویسد و در این نامه ادعا می کند که روس ها به محمد علی شاه برای برگشت به قدرت کمک خواهند کرد و اینکه روسای ایلات شاهسون با او متحد هستند. حتی در قسمتی از نامه از شجاع الدوله می خواهد از جبهه مشروطه خواهان جدا شود و سابقه خدمات خود را خراب نکند. (کریمیان، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۱۹)

رحیم خان در ۱۴ ذی حجه ۱۳۲۷ ق برای مقابله با نیروهای دولتی از روسای طوایف اردبیل و خلخال درخواست کمک کرد (کریمیان، ۱۳۸۵: ۱۱۹)، اما ظاهراً اقدامات رشیدالملک باعث جدایی روسای طوایف از رحیم خان و عدم حمایت از او شد و اولین درگیری بین رحیم خان و نیروهای حکومت مرکزی در ۱۷ ذی حجه در ناحیه آلان براغوش هریس منجر به شکست نیروهای رحیم خان و عقب نشینی آن ها به سمت اهر شد. (مجلس، ۱۳۲۷: ۱/۳) قوای دولتی اعزامی، جریان وقایع تمام درگیری هایشان با رحیم خان را از طریق تلگراف به تهران اطلاع

می‌دادند که با نام پیرم و جعفرقلی بختیاری مهر شده است. (ساکما، ۲۹۶/۴۰۸۱) نبرد دوم در گردنه مینق واقع در بین راه اهر-هریس در روز ۱۹ ذی حجه همان سال رخ داد که طی آن شکست دیگری به چلبیانلوها وارد شد. جنگ‌های بین رحیم خان و نیروهای دولت مشروطه در فصل زمستان و موقع بارش سنگین برف رخ داد. رحیم خان که در این موقع در منطقه قشلاقی گرمادوز به سر می‌برد با شنیدن اخبار شکست نیروهایش، جهت بر عهده گرفتن فرماندهی جنگ با نیروهای دولتی به سمت اهر حرکت می‌کند. (مجلس، ۱۳۲۷: ۱/۶) در تمام این مدت و در طی این جنگ‌ها اظهار امیدواری می‌کردند که رحیم خان بتواند به عنوان پیروز جنگ بر قوای اعزامی تهران غلبه کند. (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸: ۴/۴)

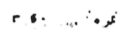
در سومین نبرد میان رحیم خان و نیروهای دولتی، اهر به تصرف اردوی دولتی درآمد. در ۲۱ و ۲۲ ذی حجه همان سال، جنگ‌های سختی بین رحیم خان و قوای حکومت مرکزی اتفاق افتاد و رحیم خان شکست خورد. در خلال یکی از این درگیری‌ها پیرم خان از فرماندهان قوای دولتی از ناحیه دست و هازه آلمانی فرمانده توپخانه نیز مجروح شد. در نهایت، نیروهای حکومت مرکزی به علت شدت بارش برف و نامساعد بودن شرایط جوی و عدم امکان حرکت، به مدت یک ماه در اهر مقیم شدند. بر اساس متن تلگراف‌های موجود، مهم‌ترین مشکل قوای مرکزی، عدم مهمات کافی و پول برای پرداخت به نیروهای اردو بود که در بیشتر تلگراف‌ها پیرم و جعفرقلی خان از حکومت مرکزی درخواست این دو موضوع را داشتند. یکی دیگر از مشکلات قوای مرکزی این بود که باید در مناطق مختلف با نیروهای چریکی رحیم خان جنگ می‌کردند. بنابراین، لازم بود تا اهر به عنوان مرکز فرماندهی حفظ و از آنجا نیروها برای جنگ با سواران رحیم خان اعزام شوند. در اسناد موجود از حکومت مرکزی درخواست کردند تا شجاع‌الدوله را به حکومت اهر بفرستند و این موضوع از طرف حکومت مرکزی انجام شد. (ساکما، ۲۹۶/۴۰۸۱) (تصویر ۲)



تصویر ۲: درمورد آمدن شجاع‌الدوله و ستارخان و جنگ با رحیم خان (همان)

با پایان یافتن سال ۱۳۲۷ق، نشانه‌های شکست کامل رحیم‌خان آشکار شد. بنابراین، روسیه اقداماتی را برای کمک به رحیم‌خان انجام داد، ازجمله تلاش برای میانجیگری میان رحیم‌خان با قوای حکومت مرکزی که نتیجه‌ای در بر نداشت. روس‌ها همچنین با اعزام نیرو به اهر و تلاش برای نشان دادن ناامنی در این منطقه سعی در یاری دادن رحیم‌خان داشتند (کریمیان، ۱۳۸۵: ۱۱۵)، اما نبرد سرنوشت‌ساز روستای حسرتان در شمال اهر، آخرین ضربه را به رحیم‌خان وارد نمود. در ۲۰ محرم ۱۳۲۸ق، رحیم‌خان در این جنگ به‌شخصه در غیاب متحدان شاهسون‌ش، شکست سختی را متحمل شد. کریم‌خان، رشیدالدوله، رقیب رحیم‌خان، با سرکردگی سیصد سوار از تیره رشیدی‌های ایل چلبیانلو، با قوای دولتی علیه رحیم‌خان همکاری داشتند. رحیم‌خان که از صحنه جنگ متواری شده بود تا روستای حسرتان واقع در دهستان گرمادوز خداآفرین در ۴۷ کیلومتری شمال کلبر، مورد تعقیب قوای دولتی قرار گرفت. آبادی حسرتان محل قشلاق ایل چلبیانلو و ملک خصوصی رحیم‌خان بود. (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۳۰)

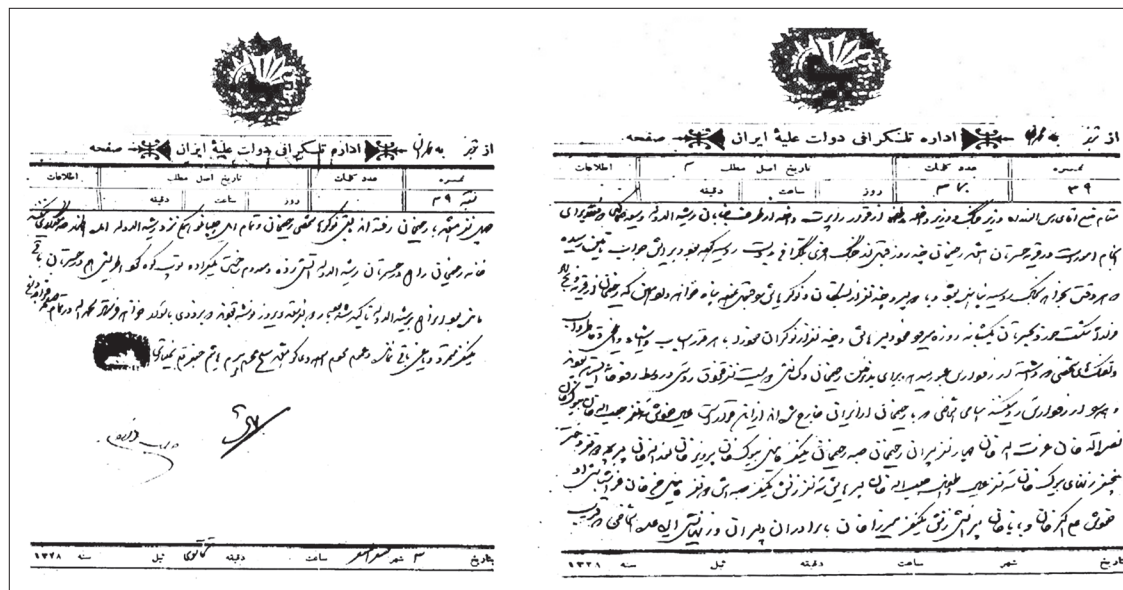
کریم‌خان به‌واسطه آشنایی با موقعیت منطقه و محل اقامت نیروهای رحیم‌خان، نقش عمده‌ای را در هدایت و تسهیل حرکت قوای دولتی و پیروزی آن‌ها بر رحیم‌خان داشت، به‌طوری‌که او قوای دولتی را تا حسرتان، محل اقامت رحیم‌خان، راهنمایی کرد. (کسروی، ۱۳۷۸: ۱۰۷؛ بایبوردی، ۱۳۴۱: ۱۳۳) سرانجام در این نبرد رحیم‌خان شکست خورد و اقدام و به فرار نمود و به خاک روسیه پناهنده شد (شوستر، ۱۳۵۱: ۵۴؛ پلیس ایران، ۱۳۲۷: ۴/۵۳) و حتی برخی شایعه کشته شدن او را اعلام نمود (ساکما، ۱۴۶۸/۲۹۳) کریم‌خان به همراه نیروهای دولتی در حسرتان، به غارت بازمانده اموال و دارایی رحیم‌خان و آتش زدن خانه او اقدام کردند. (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۳۱) در زمان پناهندگی رحیم‌خان به روسیه که یک سال طول کشید، همانند ایام محبوس بودن او در تهران، ریاست ایل چلبیانلو در دست کریم‌خان بود. جعفرقلی خان سردار بهادر و ییپرم‌خان و اردوی دولتی بعد از خاتمه کار رحیم‌خان و پناهندگی او به روسیه، اوایل صفر ۱۳۲۸ق به تبریز وارد شدند و از سوی مخبرالسلطنه والی آذربایجان و اعضای انجمن مورد استقبال قرار گرفتند. (امیرخیزی، ۱۳۵۶: ۵۲۷) (تصویر ۳)



تصویر ۳: نلگراف جعفرقلی خان بختیاری به تهران (وزارت جنگ) گزارش درباره شکست رحیم خان و احتمال پناهندگی او به روسیه (دمرحم، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۲۷)

سال دوم، شماره یک، دوره جدید، بهار و تابستان ۱۴۰۲

امور خارجه ایران طی دو نامه از سفارت روسیه درخواست نمود که رحیم خان و اطرافیانش را بر اساس توافق تحویل سرحدداران ایران نماید. (پلیس ایران، ۱۳۲۷: ۴/۵۳؛ ساکما، ۲۳۸۸۶/۲۹۶) متعاقباً دولت ایران دادن پناهندگی به رحیم خان از طرف دولت روسیه را مداخله در امور داخلی ایران تلقی می‌کند. (تصویر ۴)

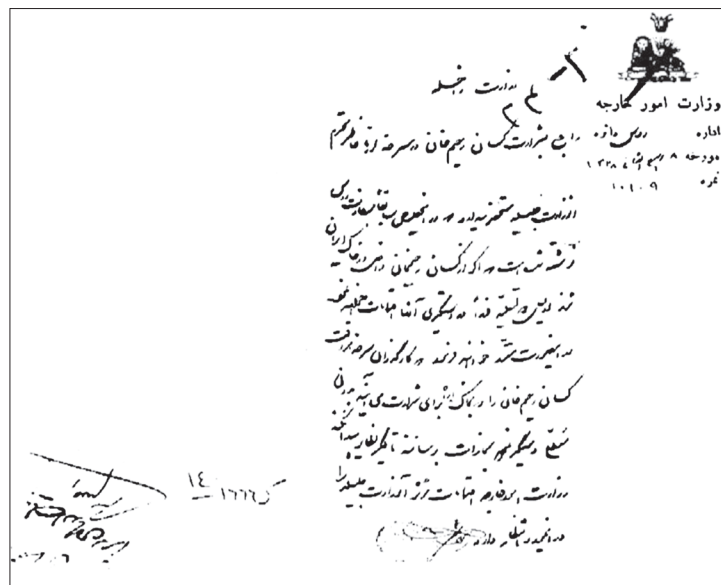


تصویر ۴: گزارش شکست رحیم خان در حسرتان و پناهندگی او بستگانش به خاک روسیه (همان)

اقدام دولت روسیه با واکنش و مخالفت انگلستان نیز مواجه شد. انگلستان این اقدام را در تعارض با منافع خود در ایران قلمداد می‌کرد. در مقابل، روس‌ها نیز اعتقاد به همراهی دولت مشروطه بعد از فتح تهران، با انگلیسی‌ها را داشتند و از هر اقدامی، در زمینه کارشکنی در برابر دولت فروگذار نمی‌کردند. در سطح بین‌الملل نیز، اقدامات رحیم خان از طرف دولت ایران و انگلستان به نفع روس‌ها و با تحریکات روس‌ها تلقی شد و بازتاب بین‌المللی یافت، به طوری که در مطبوعات انگلستان اعتراض شدیدی به عملکرد روسیه در پذیرش پناهندگی رحیم خان و عدم تحویل او به دولت مشروطه که به نوعی با حمایت انگلیسی‌ها روی کار آمده بود، صورت گرفت. روزنامه‌های مجلس و حبل‌المتین نیز مبادرت به چاپ و نشر مقالات مطبوعات انگلستان در رابطه با موضوع پناهندگی رحیم خان به روسیه کردند. (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۳۵) باوجود اعتراضات شدید داخلی و خارجی، دولت روسیه و نایب‌السلطنه قفقاز از رحیم خان استقبال و به او پناهندگی دادند. انگیزه‌های دولت روسیه از این رفتار، اولاً امید به استفاده از رحیم خان به عنوان ابزار فشاری در سیاست خارجی نسبت به ایران بود، دوماً روسیه با دادن پناهندگی به محمدعلی شاه و افرادی مانند رحیم خان، امید به برگشت به دوران استبداد در ایران را داشت و سوماً اینکه در اختیار داشتن رحیم خان می‌توانست به عنوان محرکی برای اقدامات ایالات منطقه قوه‌داغ علیه حکومت مرکزی باشد و روسیه به دنبال استفاده از آن در مواقع ضروری بود. (حافظ‌زاده، ۱۳۷۶: ۴۲۴) رحیم خان نزدیک به یک سال در روسیه مقیم بود و در غیاب او و فرزندانش، بخشی از املاک و دارایی‌هایش مورد مصادره دولت و برخی رقبای ایلش قرار گرفت. (ساکما، ۲۵۸۳۹/۲۴۰؛ ساکما، ۲۳۰/۳۲۳۴۰) میزان دارایی‌های

رحیم خان در آن زمان در حدود ۲۰ کرور برآورد شده بود. (پلیس ایران، ۱۳۲۷، شماره ۵۳: ۴؛ ساکما، ۱۳۸۶/۷۵۶۱۶: ۲۴۰)

رحیم خان که از اقامت در روسیه و برخوردهای نامناسب روس‌ها ناراضی و سرخورده شده بود، همواره با والی آذربایجان، در زمینه بازگشت به ایران مکاتبه می‌نمود. (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۴۹) گویا در زمان فرار رحیم خان به قره‌باغ، روس‌ها او را به باکو بردند و به او پیشنهاد کردند که نیرویی مجهز در اختیارش بگذارند تا تبریز را تصرف نماید و احتمالاً مسئله تجزیه و سایر مسائل در این راستا را از او خواسته بودند، اما رحیم خان نپذیرفت. (حافظ‌زاده، ۱۳۷۶: ۴۲۴) منابع درباره دلیل رد درخواست روس‌ها توسط رحیم خان اشاره‌ای نداشته‌اند. به نظر می‌رسد رحیم خان در طول دوران اقامتش در قلمرو روسیه تزاری متوجه شده بود که خود شخص او، در دیپلماسی روس‌ها در جایگاه خاصی ندارد و دولت روسیه از رحیم خان به عنوان یک اهرم فشار بر دولت ایران استفاده می‌کند. دولت روسیه از نیروهای وابسته به رحیم خان حتی بعد از پناهندگی او، به عنوان ابزاری برای ایجاد ناامنی در آذربایجان استفاده می‌کرد و این نشان می‌دهد که برخی افراد وابسته به رحیم خان در این زمان وارد خاک ایران شده و شرارت می‌کردند. (تصویر ۵) وزارت امور خارجه ایران به سفارت روسیه در این مورد شکایت کرد و به وزارت امورداخله نیز تأکید نمود که باید با این افراد فوراً برخورد شود. (همان) درنهایت، به مرور زمان رحیم خان به مانند یک مهره سوخته تقریباً از مبادلات و تحولات مناطق شمالی ایران کنار گذاشته شد و حتی دیگر روس‌ها نیز به او توجهی نکردند.



تصویر ۵: ورود وابستگان رحیم خان به خاک ایران برای شرارت و دستور مجازات آنان (۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ ق) (همان)

نتیجه

محمدعلی شاه با به توپ بستن مجلس اول شورای ملی، دوران استبداد را به ایران بازگرداند. حامی اصلی او در این هنگام، دولت روسیه تزاری بود. حمایت فراوان روسیه از محمدعلی شاه در دوران استبداد صغیر و

دخالت نظامی روس‌ها در آذربایجان علیه قیام مشروطه‌خواهان تبریز، خود گواهی بر این موضوع است. همچنین، حمایت روس‌ها برای اعاده سلطنت محمدعلی‌شاه مخلوع، اولتیماتوم روس‌ها به مشروطه‌خواهان برای اخراج مورگان شوستر، حمایت روس‌ها از آشوبگری‌های شاهسون‌ها در ایالات شمالی ایران، انعکاسی از مخالفت گسترده روسیه با مشروطه‌خواهی در ایران در جهت حفظ و تداوم منافع استعماری خود در ایران بود. رحیم‌خان چلبیانلو به عنوان یکی از بازیگران اصلی در تحولات انقلاب مشروطه در آذربایجان توانست نقش پررنگی در همراهی با سیاست‌های روسیه در این منطقه ایفا نماید. درواقع، ارتباط رحیم‌خان با روسیه با حمایت محمدعلی‌شاه انجام می‌گرفت. در این دوران رحیم‌خان نقش بازوی ضد مشروطه را در آذربایجان بر عهده داشت. با این تفاسیر می‌توان گفت که بیشتر اقدامات رحیم‌خان قبل و بعد از استبداد صغیر با هماهنگی روسیه و کنسول این کشور در تبریز صورت گرفته است. ملاقات‌های کنسول روسیه در تبریز با رحیم‌خان و بعدها در اردبیل که در منابع، اسناد و نشریات این دوره به آن اشاره شده است، مؤید ارتباط این دو دشمن مشروطه با همدیگر است. با این مطالب، فرضیه پژوهش درباره ارتباط و حمایت روسیه از اقدامات رحیم‌خان تقویت می‌شود و همچنین دلایل این حمایت که همانا ایجاد بهانه لازم برای حضور نظامی روسیه در خاک ایران و تأمین منافع این کشور بود، مشخص می‌گردد. روس‌ها تحریک‌کننده رحیم‌خان و او را تشویق به آشوب‌طلبی می‌کردند تا با استفاده از شرایط موجود، نیروهایشان را به بهانه تأمین امنیت وارد خاک ایران کنند. درواقع، ناامن‌سازی آذربایجان با اقداماتی همچون بستن راه تجاری تبریز به اروپا، غارت محموله‌های پستی، زمینه و بهانه لازم را به روسیه داد تا نیروهایشان را برای سرکوب مشروطه‌خواهان تبریز، وارد خاک ایران نمایند. بعد از شکست محمدعلی‌شاه و تصرف تهران به دست نیروهای بختیاری، این بار روس‌ها برای اینکه از رقیب استعماریشان (انگلستان) عقب نمانند، از رحیم‌خان به عنوان ابزاری برای اجرای طرح‌های خویش استفاده کردند. متحدسازی قبایل شاهسون و قره‌داغ و اشغال اردبیل توسط رحیم‌خان، توجیه‌گر ورود و دخالت نظامی روسیه تزاری در آذربایجان و شمال ایران بود. استفاده از رحیم‌خان در سیاست روسیه تزاری بعد از شکست رحیم‌خان از نیروهای مرکزی نیز ادامه یافت، چراکه دادن پناهندگی به او برای استفاده در معادلات سیاسی بعد از پیروزی مشروطه‌خواهان به وسیله روسیه بود.

منابع

- آفاری، ژانت. (۱۳۷۸). انقلاب مشروطه ایران. ترجمه رضا رضایی. تهران: بیستون.
اعتمادالسلطنه، محمد حسن. (۱۳۶۳). الماثر و الآثار به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
امیرخیزی، اسماعیل. (۲۵۳۶). قیام آذربایجان و ستارخان. تهران: کتابفروشی تهران.
افشار، ایرج. (۱۳۶۲). اسناد مشروطیت. مجموعه دوم. تهران: فردوسی.
بایبوردی، حسین. (۱۳۴۱). تاریخ ارسباران. تهران: ابن سینا.
بامداد، مهدی. (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۳-۱۴. تهران: زوار.
حافظ‌زاده، محمد. (۱۳۷۶). ارسباران در گذر حماسه و تاریخ. ج ۲-۱. تبریز: مهد آزادی.

حسینی، سجاد، و همکاران. (۱۳۹۷). «چپاول و غارت تبریز در دوران استبداد صغیر (مطالعه موردی: اموال کمپانی زیگلر)». *مطالعات تاریخ اسلام*. (شماره ۳۸)، ۹۳-۱۱۴.

سلماسی‌زاده، محمد، و محمدامین نژد نجفیان. (۱۳۹۲). «مجلس اول شورای ملی و رویارویی با حکام و متنفذین محلی». *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*. (شماره ۶)، ۶۹-۹۰.

شوستر، مورگان. (۱۳۵۱). *اختناق ایران*. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری. تصحیح فرامرز برزگر و اسماعیل راین. تهران: صفی‌علیشاه.

صدقی، ناصر. (۱۳۸۸). *تاریخ اجتماعی و سیاسی ارسباران (قره‌داغ) در دوره معاصر*. تبریز: اختر.

صفایی، ابراهیم. (۱۳۴۴). *رهبران مشروطه*. تهران: جاویدان علمی.

صفری، بابا. (۱۳۷۰). *اردبیل در گذرگاه تاریخ*. ج ۲. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.

طاهرزاده، بهزاد. (۱۳۶۳). *قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: اقبال.

فتحی، نصرت‌الله. (۲۵۳۲). *مجموعه آثار قلمی ثقه الاسلام شهید تبریزی*. تهران: انجمن آثار ملی.

قدیمی‌قیداری، عباس، و رضا عبدالهی. (۱۳۹۸). «نقش روسیه در شکست جنبش شیخ عبدالله شمزینی». *جستارهای تاریخی*. (شماره ۲)، ۲۶۳-۲۳۹.

کسروی، احمد. (۱۳۷۳). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.

کسروی، احمد. (۱۳۷۸). *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*. تهران: امیرکبیر.

کاظم‌زاده، فیروز. (۱۳۷۱). *روس و انگلیس در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

کتاب آبی گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطیت ایران. (۱۳۶۲). به‌کوشش احمد بشیری. ج ۱-۶. تهران: نور.

کتاب نارنجی گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران. (۱۳۶۷). به‌کوشش احمد بشیری. ج ۱-۲. تهران: نور.

کتاب نارنجی. (۱۳۶۸). *ترجمه پروین منزوی*. ج ۴. تهران: پرواز.

کریمیان، علی. (۱۳۸۵). «اسنادی از مخالفان مشروطه آذربایجان». *گنجینه اسناد*. (شماره ۶۲)، ۱۵۷-۱۰۳.

ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۶۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. ج ۶-۷. تهران: علمی.

محبوبی‌اردکانی، حسین. (۱۳۶۸). *تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار*. ج ۲. تهران: اساطیر.

محیط‌مافی، هاشم. (۱۳۶۳). *تاریخ انقلاب ایران*. به‌کوشش مجید تفرشی و جواد جان‌فدا. ج ۱. تهران: فردوس.

ویجویه‌ایی، محمدباقر. (۱۳۸۶). *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز*. تهران: امیرکبیر.

نورائی، مرتضی، و آندریوا النا. (۱۳۸۸). «مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم: مرحله دیگری از استعمار». *پژوهش‌های تاریخی*. (شماره ۴)، ۳۶-۲۱.

هدایت، حاج مهدی‌قلی. (۱۳۷۵). *خاطرات و خطرات*. تهران: زوار.

اسناد

ساکما (اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

۲۹۳/۲۹۳، ۱۴۶۸/۲۴۰، ۱۴۸۵/۲۹۵، ۷۰۱۹۰/۷۴۰۰، ۲۹۶/۶۷۲۸، ۲۹۶/۶۷۲۵، ۲۹۶/۴۰۸۱، ۲۹۶/۴۰۸۱، ۲۴۰/۵۴۷۳۵، ۲۴۰/۷۵۶۱۶، ۲۳۰/۲۴۰، ۳۲۳۴۰/۲۵۸۳۹، ۲۹۶/۲۳۸۸۶

نشریات

انجمن. (۱۳۲۵ق). سال ۱، شماره ۵۶.

انجمن. (۱۳۲۶ق). سال ۲، شماره ۲۶.
 حبل المتین. (۱۳۲۷ق). سال ۱۷، شماره ۲۲.
 حبل المتین. (۱۳۲۷ق). سال ۱۷، شماره ۲۰.
 حبل المتین. (۱۳۲۸ق). سال ۱۷، شماره ۳۰.
 شمس. (۱۳۲۷ق). سال ۲، شماره ۱۰.
 شمس. (۱۳۲۷ق). سال ۲، شماره ۱۵.
 مجلس. (۱۳۲۸ق). سال ۳، شماره ۲۰.
 مجلس. (۱۳۲۷ق). سال ۳، ش ۲۹.
 مساوات. (۱۳۲۷ق). سال ۱، شماره ۲۹.
 مساوات. (۱۳۲۷ق). سال ۱، شماره ۳۰.
 نسیم شمال. (۱۳۲۷ق). سال ۱، شماره ۲۲.
 نسیم شمال. (۱۳۲۹ق). سال ۳، شماره ۸۱.
 پلیس ایران. (۱۳۲۷ق). شماره ۵۳.